



فصل دوم: خداشناسی و توحید

مبحث‌های این فصل ۰ عدد قرمز: تعداد سؤال آزمون از همان مبحث

۱۰۴ تست در پایان فصل، ص ۶۴

سابقه در ۱۰ آزمون: ۲۶ سؤال

۵۲	۵	توحید و مراتب آن؛ توحید ذاتی و صفاتی	۳۸	۲	راههای شناخت خدا و برهان فطرت
۵۵	۵	توحید افعالی: خالقیت، ربوبیت، مالکیت، ولایت، تشریع و حاکمیت	۴۰	۱	برهان علی و اصل علیت
۵۸	۱	توحید در عبادت، شرک و توسل	۴۲		امتناع دور و تسلسل و برهان‌های وجوب
۵۹	۱	عدل الهی	۴۳		حرکت جوهری و آفرینش مداوم
۶۰	۱	مسئله شر	۴۴	۲	برهان نظم
۶۱	۲	قضا و قدر، جبر و اختیار	۴۶	۵	شناخت صفات خدا و اقسام آن
			۵۰	۱	صفات ثبوتی: علم، قدرت، حیات، اراده و حکمت

۷ تست آخر فصل

سابقه: ۲ سؤال

راههای شناخت خدا و برهان فطرت

درباره شناخت وجود خدا میان فیلسوفان و متکلمان مسلمان دو دیدگاه هست. گروهی آن را بدیهی و «فطری» و بی‌نیاز از دلیل می‌دانند و برای این باور به قرآن و روایات معصومان استناد می‌کنند. گروه دیگر وجود خدا را بدیهی نمی‌شمارند و اثباتش را محتاج استدلال و برهان می‌دانند.

در همه ادیان ویژگی اصلی خداوند قداست ذاتی اوست؛ یکتا بودن، قادر بودن و مشترک بودن نام خدا در همه ادیان یافت نمی‌شود. ★ آزمون فراگیر ۱۰ ۱۴۰۲

در برهان فطرت، انسان از دو مسیر به خدا راه می‌برد:

◆ تعریف کلیدی سیر در آفاق

سیر در آفاق: نگاه به آفریده‌های بیرونی و اندیشیدن در حدوث، امکان و نظم آن‌ها، تا از آفریده به آفریننده برسد.

سیر در انفس: نگاه به درون خود؛ انسان درمی‌یابد که از خدا شناختی قلبی و بی‌واسطه دارد. همین مسیر را «راه فطرت» می‌نامند.

ویژگی‌های امور فطری

- ۱- همگانی‌اند: در همه انسان‌ها یافت می‌شوند، هرچند شدت و ضعفشان یکسان نیست.
- ۲- پایدارند: در همه دوره‌های تاریخ ثابت می‌مانند.
- ۳- آموختنی نیستند: پیدایششان به تعلیم و تعلم نیاز ندارد؛ ولی تقویت، یادآوری و جهت‌دادن به آن‌ها ممکن است آموزش و استدلال بخواهد.

نکته: گزاره «امور فطری برای شکوفایی هم به هیچ آموزش و تذکری نیاز ندارند» نادرست است. اصل امر فطری آموختنی نیست، اما بیدار کردن و پروردنش از آموزش بهره می‌برد.

دلیل فطری بودن خداشناسی

فطری بودن خداشناسی دو دلیل دارد: نقلی و عقلی.





دلیل نقلی: آیات و روایات نشان می‌دهند هر انسانی در سرشت خود خدا را می‌شناسد. آیه فطرت: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ»؛ یعنی روی به دین خالص بیاور؛ این همان سرشتی است که خدا مردم را بر آن آفریده و آفرینش خدا دگرگون‌شدنی نیست.

دلیل عقلی: نفس انسان «معلولی مجرد» است و به علت حقیقی خود، یعنی خدا، «علم حضوری» دارد. این آگاهی بی‌واسطه را می‌توان معرفت فطری به خدا دانست. هر که دل را صیقل دهد و به ژرفای جان خود برسد، پیوند وجودی‌اش با خدا را می‌یابد و به تعبیری خدا را شهود می‌کند.

فطری بودن خداجویی و خداپرستی گواه کشش درونی انسان به سوی خداست؛ آدمی خداطلب آفریده شده است. فطرت نخستین راهنمای انسان به خداجویی است و امام علی (ع) «کلمه الاخلاص» را همان فطرت دانسته است.

راههای بیدار کردن فطرت

۱- بریده شدن امید از همه اسباب و روی آوردن به خدا، چنان که در سختی‌ها پیش می‌آید.

۲- نگرستن در آفریده‌ها و نظمشان؛ همان‌ها که قرآن «آیات» و نشانه‌ها می‌خواندشان. ★ آزمون قضاییه ۱۴۰۰

قلمرو حس و تجربه

دانش تجربی دقیق و جزئی است و در هر موضوع جزئی مسائل فراوانی می‌آموزد، اما قلمروش به آنچه آزمودنی است محدود می‌ماند. موضع منطقی حس و تجربه در برابر مسائل ماورای طبیعت «لادری» (نمی‌دانم) است، نه انکار؛ با ابزار حس نه می‌توان بود خدا را ثابت کرد و نه نبودش را.

«اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»؛ نور اشیا را آشکار می‌کند؛ به همین قیاس هر پدیده جهان نشانی از آفریننده و آیه‌ای از آیات الهی است.

★ نکات مهم این مبحث

- ✓ درباره وجود خدا دو دیدگاه هست: بدیهی و فطری بودن، یا نیاز به برهان.
- ✓ سیر در آفاق یعنی رسیدن از نظم و حدوث آفریده‌ها به آفریننده؛ سیر در انفس همان راه فطرت است.
- ✓ امور فطری همگانی، پایدار و ناآموختنی‌اند، ولی تقویت و یادآوری‌شان آموزش می‌خواهد.
- ✓ دلیل عقلی فطرت: نفس، معلول مجرد است و به علت خود علم حضوری دارد.
- ✓ موضع حس و تجربه در برابر ماورای طبیعت «لادری» است، نه انکار.

از همین مبحث در آزمونهای استخدامی ۲ سؤال

۱۴۰۲

★ اصل سؤال آزمون استخدامی | فراگیر دهم دستگاه‌های اجرایی

۳ ویژگی اصلی خداوند در تمام ادیان چیست؟ bzhik.ir

- | | |
|---|-----------------------|
| ۱ | یکتا بودن |
| ۲ | قداست ذاتی |
| ۳ | مشترک بودن نام خداوند |
| ۴ | قادر بودن |

✓ **گزینه ۲ صحیح است.** در همه ادیان ویژگی اصلی خداوند قداست ذاتی اوست. یکتا بودن و قادر بودن در همه ادیان به یک صورت پذیرفته نشده و نام خدا هم در ادیان گوناگون یکسان نیست. **درسنامه: ص ۳۸**





۱۴۰۰

★ اصل سؤال آزمون استخدامی | قوه قضاییه

۱۰ در قلمرو برهان نظم در قرآن مجید از نظامات موجود در عالم هستی به چه عنوان یاد می‌شود؟ bzhik.ir

۱ آفرینش قدیم ۲ آیات الهی ۳ خلقت جدید ۴ معجزات الهی

✓ **گزینه ۲ صحیح است.** قرآن آفریده‌ها و نظم آن‌ها را «آیات»، یعنی نشانه‌های خدا، می‌خواند؛ هر پدیده نشانی از آفریننده است و نظمش گواه ناظمی حکیم. «معجزه» کار خارق‌العاده پیامبران برای اثبات نبوت است، نه نظم عادی جهان، و «آفرینش قدیم» یا «خلقت جدید» تعبیری برای این نظامات نیست. **درسنامه: ص ۳۹**

برهان علی و اصل علیت **سابقه: ۱ سؤال** ۱۰ تست آخر فصل

برهان علی از «معلول بودن جهان» آغاز می‌کند و به علیت خدا می‌رسد. گام‌هایش چنین است: ★ **آزمون فراگیر ۱۰ ۱۴۰۲**

۱- جهان معلول است.

۲- هر معلولی به علت نیاز دارد.

۳- پس جهان علتی دارد که یا خود خداست یا زنجیره علت‌ها سرانجام به خدا می‌رسد؛ بنابراین خدا وجود دارد. **علت:** وجودی که پیدایش وجود دیگری به آن بسته است؛ مانند آتش برای گرما. **معلول:** موجودی که هستی‌اش به وجود دیگری وابسته است؛ مانند گرما نسبت به آتش. رابطه علت و معلول رابطه‌ای «وجودی» است: پیوند دو موجود از آن جهت که هستی یکی به دیگری محتاج است.

اصل علیت

♦ **تعریف کلیدی** اصل علیت

اصل علیت، یعنی «هر معلولی علت می‌خواهد»، بدیهی است و بر همه موجودات وابسته، چه مادی و چه مجرد، صدق می‌کند. اصلی عقلی است که از حقایق عینی سرچشمه گرفته و بنیاد همه تلاش‌های فکری و عملی انسان است؛ هر کوشش علمی جست‌وجوی علت یا معلول یا پیوند میان آن دو است.

انسان با نگرستن به درون خود به اصل علیت می‌رسد. قانون علیت قضیه‌ای عقلی و علمی حصولی است که از علم حضوری نفس به کارهای خودش به دست آمده است. نفس علت حقیقی حالات خود مانند علم و اراده است، و فکر و اراده نسبت به نفس وجودی «تعلقی» دارند.

ملاک نیاز به علت «ضعف وجودی» است؛ هر موجود فقیر و ناتوان نیازمند علت است. امام علی (ع) فرموده است: «كُلُّ قَائِمٍ فِي سِوَاهُ مَعْلُولٌ» (هر چه جز خدا معلول است) و «كُلُّ شَيْءٍ قَائِمٌ بِه» (هر چیز به او برپاست).

نکته: هیوم انگلیسی، به اقتضای فلسفه تجربی‌اش، رابطه علت و معلول را پیوندی عینی و وجودی نمی‌دانست و آن را رابطه‌ای ذهنی و زاده «تداعی معانی» می‌شمرد. در اصل علیت تنها او تردید کرد.

اقسام علت

■ **علل چهارگانه از نگاه فیلسوفان**

علت	تعریف	در صندلی	گروه
فاعلی	پدیدآورنده معلول	نجار	خارجی (علت وجود)
غایی	انگیزه و هدف فاعل از کار	نشستن روی آن	خارجی (علت وجود)
صوری	فعلیتی که در ماده پدید می‌آید و منشأ آثار تازه است	شکل صندلی	داخلی (علت قوام)





۱۴۰۲

★ اصل سؤال آزمون استخدامی | فراگیر دهم دستگاههای اجرایی

۴ برهان علی در اثبات وجود خدا از چه مسیری می‌گذرد؟ bzhik.ir

- ۱ بی نهایت بودن جهان ۲ علت خدا
۳ خالقیت خدا ۴ معلولیت جهان

✓ **گزینه ۴ صحیح است.** برهان علی از این مقدمه آغاز می‌کند که جهان معلول است و هر معلولی علت می‌خواهد، و از آن به علتی می‌رسد که خداست. پس مسیر برهان معلولیت جهان است و علت خدا نتیجه آن است، نه نقطه آغاز؛ بی‌نهایت بودن جهان یا خالقیت خدا هم پایه این برهان نیستند. **درسنامه: ص ۴۰**

امتناع دور و تسلسل و برهانهای وجوب

۷ تست آخر فصل

کسانی که علت نخستین را نمی‌پذیرند دو فرض پیش می‌کشند: زنجیره علت‌ها تا بی‌نهایت ادامه یابد (تسلسل)، یا جهان علت خودش باشد (دور). فیلسوفان هر دو را محال می‌دانند.

تسلسل: ادامه یافتن سلسله علت‌ها تا بی‌نهایت. محال بودنش بدیهی یا دست‌کم نزدیک به بداهت است: زنجیره‌ای که هر حلقه‌اش خود معلول و وابسته است، از خود هستی ندارد و بی‌نهایت شدن شمار وابسته‌ها آن‌ها را مستقل و غنی نمی‌کند. پس باید وجودی مستقل و بی‌نیاز، بیرون از همه وابستگی‌ها، علت همه علت‌ها باشد.

دور: اینکه وجودی علت پیدایش خودش باشد. دور محال است چون به اجتماع نقیضین می‌انجامد: آن موجود باید پیش از خود باشد تا خود را پدید آورد و در همان حال نباشد تا پدید آید. پس جهان علت خود نیست و به علتی بیرون از خود، یعنی خدا، نیاز دارد. قرآن دور را در قالب پرسش انکاری رد می‌کند: «أَمْ خُلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمُ الْخَالِقُونَ»؛ آیا از هیچ آفریده شده‌اند یا خودشان آفریننده خویش‌اند؟

اگر علت پدیده بی‌واسطه به خود آن پدیده برگردد «دور مصرح» است و اگر با واسطه برگردد «دور مضمّر».

امکان و وجوب

◆ تعریف کلیدی امکان

امکان: در اصطلاح فلاسفه، یکسان بودن نسبت ماهیت یک چیز به وجود و عدم؛ عقل نه وجود را برای آن ضروری می‌بیند نه عدم را.

وجوب: استقلال در هستی، قیام به خود و وابسته نبودن به دیگری. واجب‌الوجود موجودی مستقل، قائم به ذات و بی‌نیاز از غیر است؛ پس علتی که واجب باشد خود به علت نیاز ندارد.

با برهان امکان و وجوب (برهان صدیقین) وجود خدا ثابت می‌شود و نیز اینکه واجب‌الوجود همه کمالات را به‌طور ضروری دارد.

برهان صرف‌الوجود: هستی واجب‌الوجود از خود اوست، پس عدم در آن راه ندارد، و آنچه عدم در آن راه ندارد نامحدود است. این برهان مستقیماً ثابت می‌کند خدا وجود مطلق، از هر جهت خالص و از همه جهات نامحدود است. سخن امام سجاد (ع) بر آن منطبق است: خدا به هیچ محدودیتی وصف نمی‌شود؛ چگونه به حد وصف شود آن که حدی ندارد.

■ برهان‌های نام‌دار در اثبات خدا و ابطال دور و تسلسل

برهان	منسوب به	کارکرد
وسط و طرف	ابن‌سینا	ابطال تسلسل





برهان	منسوب به	کارکرد
وجوب وجود	خواجه طوسی	یکی از برهان‌های ابطال دور و تسلسل
اسد و اخصر	فارابی	استوارترین و کوتاه‌ترین برهان
امکان و وجوب (صدیقین)	فیلسوفان	اثبات واجب و همه کمالات او
صرف الوجود	فیلسوفان	نامحدود بودن واجب از هر جهت
تمانع	فیلسوفان	یگانگی خدا

خواجه طوسی برهان وجوب وجود را در این عبارت آورده است: «الوجود ان كان واجباً فهو المطلوب و الا استلزمه لاستحاله الدور و التسلسل»؛ هستی یا واجب است که همان مطلوب است، یا چون دور و تسلسل محال است، سرانجام به واجب می‌رسد.

★ نکات مهم این مبحث

- ✓ تسلسل محال است چون زنجیره وابسته‌ها، هرچند بی‌نهایت، مستقل و غنی نمی‌شود.
- ✓ دور به اجتماع نقیضین می‌انجامد و قرآن آن را با «أم هم الخالقون» رد می‌کند.
- ✓ امکان یعنی تساوی نسبت ماهیت به وجود و عدم؛ وجوب یعنی استقلال در هستی.
- ✓ برهان صرف الوجود نامحدود بودن واجب را از هر جهت ثابت می‌کند.
- ✓ وسط و طرف از ابن‌سینا، وجوب وجود از خواجه طوسی و اسد و اخصر از فارابی است.

۸ تست آخر فصل حرکت جوهری و آفرینش مداوم

متکلمان و فیلسوفان پیش از صدرالمتألهین حرکت را فقط در اعراض می‌پذیرفتند: در کیف (رنگ، بو، مزه، زبری و صافی)، در کم (مقدار و حجم)، در وضع (نسبت اجزای جسم با یکدیگر) و در این (نسبت جسم با مکان). جوهر را که موضوع و تکیه‌گاه این اعراض است ثابت و بی‌حرکت می‌دانستند.

تکیه‌گاه آنان ضرورت «موضوع» برای حرکت بود: اگر ذات شیء حرکت کند، دیگر موضوعی باقی نمی‌ماند. پس مشکل منکران حرکت جوهری در جزء «موضوع» حرکت بود.

♦ تعریف کلیدی جوهر

جوهر: موجودی عینی که در دیگری حلول ندارد و وجودش همان وجود موضوع نیست.

عرض: چیزی که وجودش همان وجود موضوع است و در خارج همواره در چیز دیگری حلول دارد. وزن از مقوله کیف و حجم از مقوله کم است.

صدرالمتألهین حرکت را در ذات و جوهر اشیای مادی ثابت کرد؛ با پذیرش آن، جهان مادی یکپارچه حرکت است. او به آیه «و تری الجبال تحسبها جامده و هی تمر مر السحاب» استناد کرد و گفت نخستین کسی که حرکت در جوهر را ثابت کرده خود خداوند حکیم است. در موجودات مجرد حرکت و حرکت جوهری راه ندارد.

نتایج حرکت جوهری

- ۱- اثبات ذات قیوم خدا: عالم ماده سراسر حرکت و حادث است، پس علتش در خود آن نیست و باید مجرد باشد و این حرکت را دم‌به‌دم پدید آورد. این ایجاد پیوسته همان «آفرینش مداوم» (خلق مداوم) است که صدرالمتألهین از آیه «کل یوم هو فی شأن» برداشت کرد.





چهار

نتایج حرکت جوهری

به خاطر بسپارید

حل حدوث و قدم زمانی

زمان بعد چهارم ماده

معاد به معنای عام

اثبات ذات قیوم

۲- غایت حرکت (معاد به معنای عام): حرکت بی‌غایت معنا ندارد؛ جهان مانند کودکی که بالغ می‌شود به سوی بلوغ می‌رود. قیامت امری کیهانی و مربوط به همه عالم ماده است، نه فقط زمین و انسان.

۳- زمان، بعد چهارم ماده: اگر حرکت در جوهر جسم است و زمان از حرکت برمی‌خیزد، زمان در کنار درازا، پهنا و ستبرا بعد چهارم ماده است.

۴- حل مشکل حدوث و قدم زمانی عالم.

نکته: «اثبات یگانگی ذات و صفات خدا» در شمار نتایج حرکت جوهری نیست.

دیدگاه‌های دیگر درباره زمان و مکان: کانت زمان و مکان را صورت ذهن ما می‌دانست؛ یعنی ما چنان آفریده شده‌ایم که اشیای مادی را در قالب زمان و مکان درک کنیم. انیشتین زمان را نسبی و جسم را موجودی زمانی و مکانی دانست.

★ نکات مهم این مبحث

- ✓ پیشینیان حرکت را فقط در اعراض می‌پذیرفتند و مشکلشان در «موضوع» حرکت بود.
- ✓ صدرالمتألهین با آیه «تمر مر السحاب» حرکت جوهری را مستند کرد.
- ✓ از «کل یوم هو فی شأن» آفرینش مداوم برداشت می‌شود.
- ✓ نتایج حرکت جوهری: ذات قیوم، معاد عام، زمان بعد چهارم، حل حدوث و قدم.
- ✓ در مجردات حرکت جوهری نیست.

۷ تست آخر فصل

سابقه: ۲ سؤال

برهان نظم

نظم حاکم بر هستی یکی از راه‌های رسیدن به خداست. قرآن در بحث‌های توحیدی بیش از هر برهان دیگر بر نظم تکیه می‌کند و همه جا توحید ربوبی را در برابر مشرکان به همین برهان پیوند می‌دهد. نمونه دعوت قرآن: «أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ»؛ آیا به شتر نمی‌نگرند که چگونه آفریده شده، و به آسمان که چگونه برافراشته شده؟

★ آزمون کار و تأمین ۱۳۹۹

اندیشیدن در ساختار منظم و پیچیده موجودات، انسان را به پذیرش ناظمی حکیم و دانا می‌کشاند.

◆ تعریف کلیدی نظم

نظم: گرد آمدن اجزای گوناگون با کیفیت و کمیت معین در یک مجموعه، چنان که همکاری و هماهنگی‌شان هدف مشخصی را دنبال کند.

عناصر اصلی نظم سه چیز است: برنامه‌ریزی دقیق، سازمان‌دهی حساب‌شده و هدفمندی. هیچ‌یک بی‌دخال عقل و شعور ممکن نیست؛ «تصادف» و «علت مادی» از عناصر نظم نیستند.

سه

عناصر نظم

به خاطر بسپارید

هدفمندی

سازمان‌دهی حساب‌شده

برنامه‌ریزی دقیق

ساختار برهان

۱- صغری (حسی و تجربی): عالم طبیعت پدیده‌ای منظم است.





۲- کبری (عقلی): هر نظمی از ناظمی حکیم و باشعور برمی‌خیزد.

۳- نتیجه: طبیعت حاصل طرح و تدبیر ناظمی باشعور است.

روح این استدلال عقلی است، زیرا پایه نتیجه‌گیری کلی بر کبرای عقلی آن نهاده شده و حس فقط در اثبات صغری یاری می‌کند. در میان برهان‌های خدائناسی، برهان نظم است که صغرایش حسی و تجربی است. کشف هوش و عقل یک انسان از روی آثار و

کارهایش نیز برهانی عقلی است که بر رابطه «نظم» و «عقل» تکیه دارد. ★ آزمون فراگیر ۱۴۰۲

از برهان نظم برمی‌آید که پدیدآورنده نظم قدرتی دارد که علم و اراده را هم در بر دارد؛ بی‌علم نمی‌توان اجزای یک نظام را چنان سامان داد که نظام پدید آید. اما برهان نظم در پی اثبات محدود یا نامحدود بودن مبدأ نیست.

سه تقریر برهان نظم

تقریرهای برهان نظم

تقریر	تکیه‌گاه	خلاصه استدلال
هدفمندی	حرکت پدیده‌ها به سوی غایت	پدیده‌ها خود آگاهی ندارند، پس موجودی آگاه و مدبر آن‌ها را به سوی هدف می‌برد
نظم در موارد جزئی	تک‌تک نمونه‌های نظم	از هر نمونه جزئی نظم به ناظم حکیم پی برده می‌شود
هماهنگی کل عالم	پیوند و سازگاری اجزای جهان با هم	ناظم حکیم برای کل عالم؛ شاهد: «لو کان فیهما آلهه الا الله لفسدتا»

سه

تقریرهای برهان نظم

به خاطر بسپارید

هماهنگی کل عالم

نظم در موارد جزئی

هدفمندی

برهان «هدایت و راهیابی» را هم می‌توان به گونه‌ای در برهان نظم جای داد.

اشکال‌های هیوم

هیوم گفت برهان نظم شرایط برهان تجربی را ندارد، چون هرگز درباره جهانی جز این جهان آزموده نشده است؛ و پرسید چه مانعی دارد که نظم طبیعت از علتی درونی و ناشناخته یا از نظم ذاتی ماده باشد. خطای او و همفکرانش این بود که برهان نظم را تجربی پنداشتند، حال آنکه کبرای آن عقلی است.

★ نکات مهم این مبحث

- ✓ قرآن بیش از همه به برهان نظم تکیه دارد و توحید ربوبی را با آن پیوند می‌دهد.
- ✓ عناصر نظم: برنامه‌ریزی دقیق، سازمان‌دهی حساب‌شده و هدفمندی.
- ✓ صغرای برهان نظم حسی و کبرایش عقلی است و روح استدلال عقلی است.
- ✓ برهان نظم محدود یا نامحدود بودن مبدأ را ثابت نمی‌کند.
- ✓ خطای هیوم تجربی دانستن برهان نظم بود.





پایان نمونه رایگان

بقیه اش در فایل کامل است

در این نمونه ۸ صفحه از ۳۴۲ صفحه را دیدید.

۷

فصل درسنامه

۱۰

آزمون ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۴ با اصل
سؤال

۷۶۹

تست با پاسخ تشریحی

۳۴۲

صفحه

فایل کامل، فصل به فصل

فصل	عنوان	تست آخر فصل	از صفحه
۱	انسان، ایمان و جهان بینی	۵۳	۵
۲	خداشناسی و توحید	۱۰۴	۳۸
۳	دین، نبوت و امامت	۱۲۶	۹۰
۴	معاد	۵۲	۱۴۸
۵	قرآن و سنت های الهی	۸۷	۱۷۹
۶	احکام (۱)	۱۰۵	۲۲۳
۷	احکام (۲)	۸۵	۲۷۳
جمع		۶۱۲	

✓ جدول بودجه بندی اختصاصی بژیک (از هر فصل در هر یک از ۱۰ آزمون چند سؤال آمده) فقط داخل فایل کامل است و در نمونه ها نیامده.

✓ زیر پاسخ هر تست نوشته شده مطلبش در کدام صفحه درسنامه است.

✓ ۳ آزمون جامع ۱۵ سؤالی با سؤال هایی که در تست فصل ها نیامده اند؛ ویرایش های بعدی برای خریداران رایگان است.

دانلود فایل کامل pdf از بژیک

دانلود جزوه و تست احکام و معارف اسلامی استخدامی ۱۴۰۵ با نمونه رایگان pdf

bzhik.ir

